



مرکز ملی باوردهای علمی و فناوری

سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان تنها مرجع حاکمیتی کشور در امور بندری، دریایی و کشتی‌رانی بازرگانی به منظور ایفای نقش مرجعیت دانشی خود و در راستای تحقق راهبردهای کلان نقشه جامع علمی کشور مبنی بر "حمایت از توسعه شبکه‌های تحقیقاتی و تسهیل انتقال و انتشار دانش و سامان‌دهی علمی" از طریق "استانداردسازی و اصلاح فرایندهای تولید، ثبت، داوری و سنجش و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه برای نشریات، اختراعات و اکتشافات پژوهشگران"، اقدام به ارایه این اثر در سایت SID می‌نماید.



سازمان بنادر و دریانوردی

بررسی حق بر محیط زیست و حق بر توسعه در

کنوانسیون های زیست محیطی الحاقی جمهوری اسلامی ایران

علیرضا نقی زاده ، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق

محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(کارشناس ایمنی و بهداشت - سازمان بنادر و دریانوردی-تهران)

E-mail : arn15252@gmail.com

چکیده :

حق بر محیط زیست و حق بر توسعه به عنوان بخشی از حقوق همبستگی مورد پذیرش جهانی می باشد. از سوی دیگر ملازمه اقدامات توسعه ای به معنای عام و توسعه اقتصادی و صنعتی به معنای خاص با آلودگی و تخریب محیط زیست امری است که امروزه توسط متخصصان رشته های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است. لیکن این اتفاق نظر در اجرا دچار اختلاف می باشد. هدف از این مطالعه بررسی نگرش جهانی به دو حق مذکور در اسناد حقوقی الزام آور بین المللی می باشد.

در این مطالعه با توجه به ماده ۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و با استفاده از روش کتابخانه ای، نسبت به بررسی مفاد اسناد بین المللی زیست محیطی که مورد پذیرش ، تصویب یا الحاق جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته ، پرداخته شده است. در این رهگذر مفاد ۳۵ کنوانسیون و پروتکل الحاقی مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی ها نشان می دهد که میثاق سوم حقوق بشر بر خلاف میثاق های اول و دوم حقوق بشر فاقد الزام بین المللی و فقط در حد بیانیه می باشد. از سوی

دیگر حق بر محیط زیست به عنوان یک حق مستقل بشری در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده و اغلب در سایه سایر حقوق بشر از جمله حق حیات قرار دارد که این توجه نیز به نحو غالب در مقدمه کنوانسیون‌ها است که فاقد جنبه‌های الزام‌آور متن اصلی کنوانسیون‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد که صرف نظر از مستقل یا وابسته بودن حق بر محیط زیست به عنوان حقی از حقوق بشر و با التفات به اصل حفاظت از محیط زیست، می‌بایست اصل همکاری بین‌المللی با هدف توسعه پایدار سرلوحه اقدامات گام به گام ارتباط دهنده بین حق بر محیط زیست و حق بر توسعه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: حق بر محیط زیست، حق بر توسعه، محیط زیست، توسعه، توسعه پایدار

مقدمه :

ارتباط تنگاتنگ و مستقیم قدرت اقتصادی یک کشور ، با توان تعاملات بین المللی آن و نیز تلاش کشورها برای بقا در جامعه جهانی و افزایش توان چانه زنی در روابط بین الملل، همواره کشورها را بر آن داشته تا رشد و توسعه به ویژه توسعه اقتصادی را به عنوان هدف کانونی برنامه های خود مدنظر قرار دهند. دارا بودن روابط اقتصادی و تجاری بین المللی ، یکی از راه های رشد و توسعه اقتصادی است از این رو کشورها تمایل دارند تا با تسهیل تعاملات ، مسیر رشد اقتصادی خود را هموار نمایند. یکی از ابزارهای تحقق این هدف وضع قوانین و مقررات کاربردی مناسب، اجرای دقیق و نظارت کامل بر اجرای صحیح قوانین ملی و بین المللی می باشد . به این منظور سازمان های بین المللی مربوطه با وضع مقررات و تبیین چهارچوب ها، سعی دارند تا تعاملات و اقدام های توسعه ای کشورها را نظام مند نمایند . در این راستا دولت ها نیز قواعد بین المللی را در قالب قوانین و مقررات داخلی لازم الاجرا نموده و سعی می نمایند با وضع قوانین داخلی موجب نیل به توسعه را فراهم آورند .

یکی از نگرانی های موجود در زمینه دست یابی به توسعه ، موضوع حفظ محیط زیست و منابع طبیعی در این رویکرد توسعه ای می باشد. بدیهی است که اغلب اقدامات توسعه ای ، مصرف منابع طبیعی را به همراه داشته و بالقوه آلوده کننده و مخرب محیط زیست محسوب می شود. از این رو با افزایش سرعت توسعه و دست یابی به آن توسط کشورها ، چالش دو موضوع حق بر محیط زیست و حق بر توسعه نمود بیش تری یافت. رسمیت بخشیدن به موضوع تقسیم کشورها به شمال و جنوب، توسعه یافته و غیر توسعه یافته و تسلط روزافزون کشورهای توسعه یافته بر دیگر کشورها و نیز نقش آن ها در

مدیریت تحولات جهانی در ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی، همگی سبب شد تا کشورهای توسعه نیافته تلاش فزاینده‌ای را در اجرای طرح و فعالیت‌های توسعه‌ای انجام داده و این موضوع را در اولویت برنامه‌های استراتژیک داخلی خود قرار داده تا در زمره کشورهای توسعه یافته قرار گیرند.

ملازمه فعالیت‌های توسعه‌ای با آلودگی و تخریب محیط زیست سبب گردیده تا دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه شکل گیرد. گروهی حق بر محیط زیست را به حق بر توسعه مقدم دانسته و گروهی دیگر حق بر توسعه را لازمه اعمال حق بر محیط زیست می‌دانند. لیکن دیدگاه غالب در سال‌های اخیر بر تقدم حق بر محیط زیست بر حق بر توسعه متمایل شده است.

بیان مساله و اهمیت موضوع:

موضوع توسعه که اغلب مترادف با توسعه اقتصادی و صنعتی منظور می‌شود سابقه طولانی داشته و شروع آن به انقلاب صنعتی در قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد. عدم شناسایی آثار زیست محیطی توسعه صنعتی که در واقع ناشی از وضعیت نامناسب دانش علمی و تخصصی زیست محیطی جامعه جهانی و به تبع آن فقر آگاهی عمومی نسبت به آن بوده سبب گردید که روند آلودگی و تخریب محیط زیست ناشی از انقلاب صنعتی با سرعتی سرسام‌آور پیش رفته و این آلودگی و تخریب در سایه رفاه حاصل از توسعه یافتگی قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که توجه بشر به موضوع‌های زیست محیطی در مراحل اولیه ناشی از منافع حاصل از منابع طبیعی و در راستای تأمین منافع و رفاه وی بوده است. از این رو در دوره‌های زمانی مختلف بر اجزای مختلف محیط زیست معطوف بوده است. به طوری که در برهه‌ای منابع آب مشترک

بین کشورها مورد توجه قرار گرفته و در دوره دیگر و به اقتضای منافع دولت‌ها جزئی دیگر از محیط زیست مورد توجه واقع شده است.

به عبارت دیگر دولت‌ها نگران ارزش ذاتی محیط زیست نبوده و دغدغه‌های انتفاعی خود از محیط زیست را داشتند که این دغدغه‌ها را در قالب معاهدات اغلب دو جانبه رفع می‌نمودند.

با مطرح شدن موضوع محیط زیست و لزوم حفاظت و حمایت از آن که در دهه ۱۹۶۰ میلادی و در اثر فعالیت و توجه نهادهای غیر دولتی و گروه‌های مردمی مورد اقبال دولت‌ها قرار گرفت، چالش بین کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه نیز نمود یافت. این دو دسته از کشورها که بعدها در ادبیات محیط زیست به کشورهای شمالی و جنوبی شهرت یافتند، در اجرای اصل همکاری بین‌المللی با ایجاد اسناد بین‌المللی از جمله بیانیه‌های جهانی، کنواسیون‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی تلاش نمودند تا محیط زیست را مورد حفاظت قراردهند. زیرا اصل حفاظت از محیط زیست، اصلی است که با توجه به یکپارچگی محیط زیست و اکوسیستم و مقید به مرز نبودن آن، هر دو گروه از کشورها به ضرورت آن اعتقاد داشتند. لیکن اختلاف نظر در خصوص چگونگی این حفاظت سبب شد که اعمال این اصل در قالب معاهدات بین‌المللی نظام مند شود.

با تدوین میثاق نسل سوم حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ به عنوان حقوق همبستگی و تبیین

۴ حق اصلی شامل:

- حق بر صلح.
- حق بر توسعه.
- حق بر محیط زیست.

- حق بر میراث مشترک بشریت.

حق بر توسعه و حق بر محیط زیست دوشادوش هم قرار گرفته و می‌توان نتیجه گرفت که جامعه جهانی به حدی از بلوغ فکری رسید که در واقع ترجیحی برای هیچ یک از دو حق بر دیگری قایل نیست. هر چند این میثاق برخلاف میثاق نسل‌های اول و دوم حقوق بشر فاقد جنبه الزام‌آور می‌باشد و بیش‌تر خاستگاه عرف بین‌المللی دارد.

جایگاه کنوانسیون‌های بین‌المللی در بین منابع حقوق بین‌المللی عمومی و نیز منابع حقوق بین‌المللی محیط زیست به گونه‌ای است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. از این رو بررسی مفاد کنوانسیون‌های زیست‌محیطی به عنوان منابع سخت حقوق بین‌الملل، از منظر نوع نگرش و رویکرد دولت‌ها به مقوله حق بر توسعه و حق بر محیط زیست حایز اهمیت می‌باشد. هدف کلی این مطالعه آن است که ضمن بررسی مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی که مورد پذیرش یا الحاق جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و نیز با بررسی نظرات و دیدگاه‌های متخصصین رشته حقوق محیط زیست در قالب مقالات و سایر نشریات، موضوع حق بر محیط زیست و حق بر توسعه را مورد واکاوی قرار داده و ضمن پاسخ به برخی پرسش‌های در صورت امکان به ارایه پیشنهادهای مربوطه اقدام نماید.

از جمله پرسش های تحقیق می توان به موارد زیر اشاره نمود :

۱. مفاد مندرج در کنوانسیون های بین المللی محیط زیستی کفایت، کارایی و شفافیت لازم را در مقوله حق بر محیط زیست و حق بر توسعه را دارد ؟
۲. آیا کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی پاسخ گوی ضرورت های زیست محیطی می باشند ؟

فرضیه های تحقیق را می توان به شرح زیر عنوان نمود :

۱. کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی با وجود دارا بودن عنوان زیست محیطی، بیش تر حایز دغدغه های توسعه ایی است .
۲. کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی در تقابل حق بر توسعه و حق بر محیط زیست به ویژه در بخش ضمانت های اجرایی شفافیت و قاطعیت لازم را دارد.

نقش حقوق در حفاظت از محیط زیست:

نقش حقوق در حفظ محیط زیست به ویژه در مورد آلوده کننده های غیر طبیعی بسیار حایز اهمیت می باشد. قوانین زیست محیطی قادر هستند تا به عنوان ابزاری الزام آور تلقی شوند. ابزاری که توسط مقام صلاحیت دار در جامعه و طی تشریفات معین تدوین و مورد پذیرش قرار می گیرند. از این منظر ضوابط حقوقی از اصول اخلاقی و مذهبی و یا نزاکت اجتماعی که به طور عمومی فاقد الزام هستند افتراق می یابند. الزامی بودن قواعد حقوقی در واقع، ضمانت اجرای جلوگیری و یا برخورد با رفتارهای زیان آور زیست محیطی را فراهم می آورد. هر چند نقش قواعد غیر الزام آور بین المللی از طریق تعیین خطوط

راهنمای مقامات دولتی و یا جبهه راهبری آن ها در ایجاد قواعد الزام آور جدید غیرقابل انکار می باشد، این که به طور قطع، عقیده داشته باشیم که حقوق محیط زیست بتواند همه مشکلات محیط زیست را حل کند، عقیده ای دور از واقعیت است ولی این که ابزارهای قانونی را به طور کلی به کنار نهمیم نیز، نتیجه ای جز فروپاشیدن حفاظت از محیط زیست را عاید ما نخواهد کرد .

[حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۴]

حقوق علاوه بر نقش محدودکنندگی و اعمال ممنوعیت ها ، دارای نقش تشویق و بازدارندگی، خلق و به کارگیری ابزار مدیریتی، ابزارهای اقتصادی، ابزارهای تجویزی از قبیل صدور پروانه و ... می باشد. در واقع مشکل زمانی نمود می یابد که منافع کوتاه مدت افراد یا گروه ها و حتی یک کشور بر منافع جمعی یا بین المللی ترجیح می یابد. به طور مثال قطع درختان توسط مالک شخصی و یا حتی دولتی به منظور فروش چوب نیاز اقتصادی یک فرد یا دولت را رفع می نماید ولی همین عمل در منطقه ای معین می تواند خطر طغیان سیل را باعث شود .

لذا روش های موثر حفاظت و حمایت محیط زیست باید به گونه ای تدارک دیده شوند که امکان تصویب و پذیرش آن ها بر مبنای ضوابط قابل اطمینان و از طریق ابزارهای علمی و فنی مناسب وجود داشته باشد و هم در رابطه با امور اقتصادی، اجتماعی قابلیت اجرا داشته باشند. هر چند انعطاف پذیری این روش ها باید به گونه ای باشد که منافع بلند مدت محیط زیست و حفاظت از منابع را با خطر مواجه نسازد. بنابراین در جامعه، مکانیزم حفاظت محیط زیست تحت ۳ سطح قابل توصیف خواهد بود :

- در سطح اول قوانینی مطمع نظراست که بیش تر ناظر بر اصول کلی قوانین اساسی در حقوق داخلی که یک حوزه وسیع از محیط زندگی است و اعلامیه یا قرارداد بین المللی در سطح جهانی که تعاریفی متضمن ارزش های زیست محیطی برای نگهداری و حفاظت در برابر تخریب را شامل می شود .

- در سطح دوم سیاست ها و خط مشی مربوط به محیط زیست در میدان عمل، که باید به عنوان یک دستور مراقبتی با احترام به ارزش های زیست محیطی در انطباق با وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متدوال در نظر گرفته شود .

- در سطح سوم اسناد حقوقی که در ارتباط با اهدافی بالا و به وسیله سیاست های زیست محیطی مشخص شده اند . محتوای این اسناد می توانند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا آموزشی باشند. اجرای این اسناد، نیازمند حمایت افکار عمومی است . [حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۴]

حقوق بین الملل محیط زیست :

حقوق بین الملل که در گذشته به آن حقوق بین الدول گفته شده است به قواعد و اصولی اطلاق می شود که درباره روابط بین دولت ها (کشورها) با یکدیگر و هم چنین در مورد سازمان ها و مجامع بین المللی و روابط آن ها با کشورها بحث می کند . حقوق بین الملل عمومی حاوی قواعدی است که به رابطه بین کشورها یا دولت ها و نمایندگان آن ها می پردازد و هم چنین کنوانسیون ها و قراردادهای بین المللی، تشکیل و اداره و اختیارات سازمان های بین المللی نیز از موضوع های حقوق بین الملل عمومی محسوب می شود .

حقوق محیط زیست رشته ای از حقوق عمومی است که به مطالعه دربارهٔ قواعد حاکم بر رابطه ی انسان و محیط زیست می پردازد .

در حوزه حقوق بین الملل ، حقوق محیط زیست (حقوق بین الملل محیط زیست) به عنوان یکی از شاخص های حقوق بین الملل عمومی محسوب می شود. یعنی اصول و قواعد حقوق بین الملل عمومی در حقوق بین الملل محیط زیست قابلیت استناد دارد .با این حال حقوق بین الملل محیط زیست استثنا حقوق بین الملل عمومی است .یعنی ارتباط پارادوکسیال بین این دو موضوع وجود دارد .

نقش کنوانسیون ها در منابع حقوق بین الملل محیط زیست:

با نگاهی به منابع حقوق بین الملل و منابع حقوق بین الملل محیط زیست می توان نتیجه گرفت :

۱ - معاهدات که کنوانسیون ها نیز در زمره آن ها قرار می گیرند در حقوق بین المللی عمومی دارای عالی ترین جایگاه در میان منابع اصلی حقوقی مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری می باشند . این موضوع در منابع حقوق بین الملل محیط زیست نیز مورد تأکید می باشد. با این تفاوت که قوانین آمره بین المللی در اعتباری بالاتر قرار دارند. یعنی در صورت تقابل یک معاهده (کنوانسیون) با سایر منابع حقوقی، معاهده (کنوانسیون) دارای ارجحیت می باشد.

۲ - در بروز اختلافات بین المللی، اولین منبع مورد رجوع دادگاه بین المللی دادگستری جهت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

معاهدات و کنوانسیون ها می باشند. زیرا تعهدات و حقوق اطراف معاهده و ضمانت اجرای تعهدات به طور شفاف در آن ها بیان گردیده است. پذیرش یا الحاق یک دولت به آن ها (به استناد معاهدات قانون ساز) به صورت اختیاری انجام می شود.

۳- اصل نسبی بودن معاهدات، اصلی است که در حقوق معاهدات مورد تاکید قرار گرفته است، لذا دولت ها ملزم به رعایت قواعد حقوقی هستند که در قالب معاهدات نسبت به پذیرش آن ها اقدام داشته اند.

۴- توسعه حقوق بین المللی محیط زیست به ویژه در بعد ساختاری موجب گردیده که کارکرد معاهدات در مقایسه با عرف، اصول کلی حقوقی و سایر منابع حقوق بین الملل به طور فزاینده ای افزایش یافته و کلیه تکالیف و تعهدات کشورها در جامعه جهانی در قالب معاهدات دو جانبه، چند جانبه، منطقه ای و بین المللی تبیین گردد.

۵- کنوانسیون ها در زمره منابع حقوق سخت محسوب شده و دارای ضمانت اجرا هستند و دولت های عضو یک کنوانسیون در صورت تخطی یا نقض مفاد آن دارای مسوولیت بین المللی خواهند بود. در واقع الحاق، پذیرش، امضا یا تصویب یک کنوانسیون به معنی به رسمیت شناختن آن بوده، لذا دولت متعهد نیابستی اقدام هایی را به انجام برساند که با روح حاکم بر کنوانسیون در تعارض باشد.

۶- رفتار کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی، مبتنی بر قواعد Ergaomnes و یا عام الشمول هستند. لذا از استثناهای اصل نسبی بودن معاهدات تلقی شده و به عبارت دیگر اصل نسبی بودن معاهدات در مورد آن ها صادق نیست. به طور مثال دولت الف که عضو

کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نیست باید آثار حقوقی آن را رعایت کند. از این رو در موضوع جانشینی دولت ها در حقوق بین الملل ، تعهدات ناشی از قواعد Ergaomnes (معاهدات قانون ساز) همراه با تعهدات ناشی از حقوق مکتسبه (یعنی تعهدات داده شده به سایر دولت ها) و تعهدات ناشی از تعیین حدود مرزها (تعهدات مرزی) در زمره حقوق و تعهدات منتقل شده به دولت جانشین می باشد (نظریه لوح مطهر)^{۱۱}

با توجه به موارد مذکور می توان به اهمیت و جایگاه کنوانسیون ها در حقوق بین الملل محیط زیست پی برد.

مواد و روش ها :

الف - حق بر محیط زیست

حقوق بشر به معنی امتیازاتی است که هر فرد انسانی بر اساس طبع ، ذات و شأن و مقام خویش ، هم به نفس انسان بودن (نگرش فردی و درونی) و هم به لحاظ نقش کلی در جهان هستی و در عرصه روابط جمعی و در اندرون سازمان اجتماعی (رویکرد جمعی ، خارجی و بیرونی) از آن برخوردار است . مقصود حقوق بشر ، ایجاد و ارتقا شرایطی از زندگی است که به انسان به عنوان اشرف مخلوقات جامعه بشری و جانشین حاکم مطلق و ازلی امکان می دهد تا بدون موانع بتواند قابلیت و استعداد های خود را متجلی سازد ، موانعی که

بیش تر شناخته و پرداخته دست خود بشر بوده و برای افزایش دامنه اقتدار ، بخشی از آن ها به ضرر سایرین پدیدار می شود. به همین جهت حقوق بشر در سطوح ملی و بین المللی متوجه حمایت از فرد انسانی در مقابل رنج ها و مشقات ساخته دست انسان ها و موانع قابل اجتنابی است که از طریق اعمال محرومیت، بهره کشی، اختناق، آزار و اذیت و کلیه اشکال سوء رفتاری توسط گروه های سازمان نیافته و قدرتمند از انسان ها به وجود آمده است . [حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۲]

وقتی از حقوق بشر صحبت به میان می آید به طور اصولی از ۳ نسل حقوق بشری یاد می شود . حقوق نسل اول بشر یا حقوق مدنی سیاسی ، حقوق نسل دوم یا حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و حقوق نسل سوم یا حقوق همبستگی . حقوق نسل سوم که حقوق جمعی تلقی می شود بر حقوق فردی و جمعی و در عین حال تکالیف افراد و کلیه تشکل ها دلالت دارد . نسل های اول و دوم حقوق بشر با نسل سوم حقوق بشر یک تفاوت اساسی دارند و آن این است که محتوی نسل سوم هنوز به صورت اسناد حقوقی قراردادی در نیامده و تاکنون نتوانسته از اعتبار حقوقی الزام آوار به نحوی مشابه با نسل های اول و دوم برخوردار گردد. در واقع برخلاف میثاق های حقوقی مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و سپس به صورت معاهده ای بین المللی در آمد ، نسل سوم حقوق بشر ، اعلامیه ای است که در سال ۱۹۸۳ توسط مجمع عمومی به تصویب رسیده و به اعلامیه حقوق همبستگی معروف است .

ویژگی برجسته حقوق همبستگی ، افزایش تعدد تابعان و واضعان حقوق و تکالیف بشری و تعمیم " حقوق و تکالیف بین المللی " به اشخاصی غیر دولتی

است. یعنی در این چهارچوب نه تنها دولت‌ها و سازمان‌ها و افراد انسانی ذی‌نفع هستند بلکه همه آن‌ها در عین حال مکلف به رعایت و تضمین اجرای حقوق مذکور می‌باشند.

در میان مصادیق چهارگانه حقوق همبستگی (حق بر توسعه، حق بر صلح، حق بر محیط زیست و حق میراث مشترک بشریت)، حق بر محیط زیست به دلایل مختلف به ویژه وفاق نسبی کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه نسبت به ضرورت حفاظت از محیط زیست و هم‌چنین به دلیل نگرانی مشترک بشریت از پیامدهای زیان‌بار تخریب محیط زیست بر بهره‌مندی و استفاده حقوق شناخته شده و اساس بشری، توانسته است روند سریع تری از پیشرفت را در اسناد بین‌المللی بویژه در سطوح منطقه‌ای طی نماید.

[حبیبی-محمدحسن-۱۳۸۲] به نحوی که در رویکرد جدید به محیط زیست، حق داشتن و برخورداری از محیط زیست مناسب به طور کلی مستقل از حقوق زیست محیطی قلمداد می‌گردد. طرفداران حقوق بشر، حق بر محیط زیست را به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیستی با کیفیت خاص می‌شناسند و به طور معمول به عنوان "حق داشتن محیط زیست مناسب" شناخته می‌شود. [مولایی، یوسف، ۱۳۸۵]

نظریه‌ها و رویکردهای حق بر محیط زیست:

رابطه بین حقوق بشر و حق بر محیط زیست توجه بسیاری از

اندیشمندان را به خود جلب نموده است. از نظر آقای فیتس موریس^{۱۲} سه مکتب فکری بزرگ در این مورد وجود دارد.

۱ - دیدگاهی که از این امر حمایت می کند که بدون حق بر محیط زیست، حقوق بشر وجود ندارد.

۲ - دیدگاهی مبنی بر این که وجود حق بر محیط زیست، سووال بر انگیز است.

۳ - دیدگاهی بر این باور که حق بر محیط زیست سالم از بخش های دیگر حقوق بشر هم چون حق بر زندگی، حق بر سلامتی و حق بر اطلاعات قابل استخراج و شناسایی است.

در یک رویکرد متفاوت رابطه محیط زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه، انسان محور^{۱۳} و محیط زیست محور^{۱۴} مورد بحث قرار گرفته است. در دیدگاه انسان محور وضعیت محیط زیست به دلیل فشار و تاثیر مستقیمی که تداوم حیات و کیفیت زندگی، سلامتی و رفاه بشر دارد مورد توجه قرار می گیرد. دیدگاه انسان محور بر حمایت از خیر و رفاه تک تک افراد متمرکز است. این رهیافت سنتی حقوق بشری برای مثال در رویه قضایی ناظر بر کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی یافت می شود. فرمول جدیدتر رهیافت انسان محور در مورد حقوق زیست محیطی به ارتباط میان نابودی محیط زیست، نقض حقوق بشر و فقر تکیه می کند و آن را مورد

¹-Fitzmaurice

²- humanalist

³- environmentalist

توجه قرار می‌دهد. در رهیافت محیط زیست گرا، حق انسان بر محیط زیست سالم بر تفسیر موسع از محیط زیست استوار می‌باشد و بر اساس آن افراد به طور ذاتی از حقوقی برخوردارند که آن‌ها را قادر می‌سازد منافع زیست محیطی شان را اعلام کنند ولی برای این که این منافع از حیث حقوقی شناخته و پذیرفته شوند لازم نیست نشان دهیم که این منافع خیر و رفاه فرد خاص یا گروهی از انسان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این دیدگاه حقوق زیست محیطی هدفی پیش از فراهم کردن ضمانت‌های خاص برای برخی افراد دنبال می‌کند و بیش‌تر درصدد است که به اهداف زیست محیطی که توافق اجتماعی در مورد آن وجود دارد دست پیدا کند. در این رویکرد حمایت از حقوق بشر در چهارچوب حمایت از علایق و نیازهای مشترک جامعه بشری هم چون آب و هوا، حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری، گرمایش زمین تحقق می‌پذیرد... هر چند که بین رهیافت "انسان محور" و رهیافت "محیط زیست گرا" تفاوت‌هایی وجود دارد لکن هم پوشانی قابل ملاحظه‌ای هم بین این دو مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال آلودگی شدید هم برای سلامت بشر و هم موجودیت محیط زیست می‌تواند تهدید مستقیمی محسوب شود [مولایی، یوسف، ۱۳۸۵].

برخی از حقوق متعلق به نسل اول و دوم حقوق بشر از جمله حق حیات، حق مشارکت، حق دستیابی به اطلاعات و اخبار، حق آموزش و پرورش، حق بر نیازهای اولیه زندگی و لوازم بقادارای ابعاد زیست محیطی نیز هستند. از بررسی محتوایی این حقوق درمی‌یابیم که حتی اگر حقی مستقل بر محیط زیست بشریت وجود نداشته باشد. تحقیق کامل و مجزای این حق خود مستلزم این است که محیط زیست سالم به عنوان مولفه‌ای اساسی مورد دقت قرار گیرد و به این ترتیب حق انسان بر محیط زیست سالم به عنوان لازمه‌ی تحقق و استیفای

سایر حقوق یا یکی از اجزای آن‌ها تبدیل خواهد شد [حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۲]. زیرا حق برخورداری از محیط زیست سالم در واقع پیش‌نیازی است برای سایر حقوق بشر، چرا که برای بهره‌مندی انسان‌ها از حقوق بشر، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردارند [پارسا، علیرضا، ۱۳۷۷].

اعلامیه استکهلم نخستین سند بین‌المللی است که خیلی صریح رابطه حق فردی انسان و کیفیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد. براساس اصل اول این اعلامیه "انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را برای انسان فراهم کرده باشد برخوردار بوده و مسوولیت جدی در حمایت و حفظ محیط زیست برای نسل فعلی و آتی را برعهده دارد" [مولایی، یوسف، ۱۳۸۵]. پرفسور الکساندر کیل در تفسیر حق بر محیط زیست در این اصل و علت کاربرد این قیود پس از اصطلاح محیط زیست را نبود تعریفی عام، جامع و پذیرفته شده از اصلاح محیط زیست در اسناد بین‌المللی می‌داند [حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۴].

با ملاحظه در مبحث حق بر محیط زیست و حقوق بشر به اشتراکات و تفاوت‌هایی مواجه می‌شویم. از جمله اشتراکات حقوق بشر و حق بر محیط زیست می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - هر دو حق از حقوق جدید و مورد توجه بشر هستند.
- ۲ - هر دو حق مبتنی و ناظر بر عملکرد و اقدامات بشر هستند.
- ۳ - هر دو حق مورد وفاق بین‌المللی بوده و محل نگرانی بین‌المللی می‌باشند.

۴ - هر دو حق بیش تر دارای جنبه التزامی هستند تا الزامی.

از اختلافات حق بر محیط زیست و حقوق بشر می توان از موارد زیر یاد

کرد :

۱ - حق بر محیط زیست زیر مجموعه ای از حقوق بشر است.

۲ - حقوق بشر در مجامع قضایی بین المللی قابل پیگیری بوده و جنبه

کیفری دارد ولی حق بر محیط زیست دارای جنبه مسوولیت مدنی

بوده و فاقد جنبه ی مسوولیت کیفری است.

۳ - حقوق بشر در مبانی نظری در حقوق داخلی دارای اختلاف نظرهایی

است ولی در حق بر محیط زیست در مبانی نظری توافق وجود داشته و

اختلاف نظر در روش های اقدام می باشد .

۴ - نخستین گام اجرای حقوق بشر در حقوق داخلی است و در صورت

ناتوانی حقوق داخلی، حقوق بین الملل وارد عمل می شود ولی حقوق

بین الملل محیط زیست در صورت عدم اقدام حقوق داخلی (و نیز

ناتوانی آن) وارد عمل می شود.

۵ - نسل سوم حقوق بشر دارای سند الزام آور بین المللی نیست. در حالی

که حق بر محیط زیست دارای اسناد الزام آور نیز می باشد. مزید بر آن

توجه به این نکته که در مبحث حقوق بشر نیز اغلب توجه جامعه

جهانی به ابعاد اجتماعی حقوق بشر معطوف است نه بعد زیست بومی.

در واقع اگر حقوق بشر نسل سوم نیز به مثابه حقوق بشر نسل اول و

دوم دارای سند الزام آور باشد شاید با تعمیم آن به زیر

بخش های آن، از جمله حق بر محیط زیست، از بعد زیست محیطی

نیز الزام آور تلقی شده و در عمل نقش حقوق سخت را در برابر حقوق نرم پررنگ تر نماید .

۶ - در حوزه حقوق بشر افراد به عنوان تابعان حقوق بین الملل بشر امکان دسترسی مستقیم قربانیان به نهادهای بین المللی حقوق بشر را دارند . حال آنکه حقوق بین الملل محیط زیست در شناسایی افراد به عنوان تابعان حقوق بین الملل موفق نبوده و آرا و رویه های موجود از تفسیر موسع حق حیات و احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد بهره جسته اند .

ب - حق بر توسعه از منظر حقوق تجارت و سرمایه گذاری

حق بر توسعه یکی دیگر از محورهای چهارگانه نسل سوم حقوق بشر می باشد . توسعه مفهومی است که با اهداف مختلف و در عرصه های گوناگون به کار رفته است . صرف نظر از برداشت های مختلف موجود در مورد این مفهوم ، آن چه در تمامی این برداشت ها مورد نظر است عبارت است از پیشرفت و بهبود از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب . وضعیت مطلوب از منظر عامه عبارت است از بهبود وضعیت رفاه که مهم ترین آن معشیت بوده که دغدغه اصلی دولت ها نیز محسوب می شود . به عبارت دیگر رشد اقتصادی مهم ترین عامل در تفسیر توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی یک کشور بوده که با مولفه های خاص خود از جمله تولید ناخالص ملی و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد . در واقع توسعه یافتگی یک کشور بدون رشد اقتصادی معنا و مفهوم نمی یابد از این رو دولت ها تمایل دارند با تسهیل و گسترش حوزه فعالیت های اقتصادی ، تجاری و سرمایه گذاری خود ، ضمن بهبود رشد اقتصادی و به تبع آن رفاه اجتماعی

مردم، توان نقش آفرینی خود در عرصه بین‌المللی را نیز تقویت بخشند.

حقوق تجارت بین‌المللی :

به طور کلی تعامل محیط زیست و تجارت را می‌توان دارای ۳ مرحله دانست:

۱- در بیش‌تر سال‌های قرن بیستم که هیچ‌نشانه‌ای از تعامل این دو حوزه وجود نداشت .

۲- برخورد تجارت و محیط زیست که از سال ۱۹۹۱ ملاحظه گردید به ویژه حکم هیات داوری گات^{۱۵} در قضیه "تونا - دلفین" روشن کرد که تدابیر محیط زیست ایالات متحده در تضاد با گات است. از این رو انتقادات گسترده‌ای در جامعه طرفدار محیط زیست به وجود آمد. انگیزه این انتقادات نگرانی از این موضوع بود که مبادلات به‌جانبی پیش‌رود که به‌طور چشمگیری به کاهش جدی منافع محیط زیست منجر شود [حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۶]. دیگر ویژگی عمده این مرحله آغاز تقسیم‌بندی کشورها به شمال و جنوب بود .

۳- از سال ۱۹۹۵ تا کنون که پذیرش فزاینده مشروعیت مدافعان تجارت و محیط زیست به‌جانب یکدیگر و تلاش به منظور همکاری‌های مشترک و حل و فصل اختلافات به روش فنی و بر اساس منافع دوطرف است . این موضوع منجر به تلاش سازمان تجارت جهانی برای شفافیت

بیش تر در عرصه تجارت و محیط زیست شده است . هرچند چالش شمال و جنوب هم چنان باقی است .

موضوع محیط زیست قدمتی بیش از تجارت و سرمایه گذاری دارا می باشد. لیکن حقوق محیط زیست و حفاظت و حمایت از محیط زیست نسبت به تجارت از پیشینه کم تری برخوردار است. هر چند نظام نوین تجارت جهانی نیز با قدمتی کمی بیش تر از حقوق محیط زیست، نظامی جدید محسوب می شود که پیشینه آن به پس از جنگ جهانی دوم ارتباط می یابد.

پایان جنگ جهانی دوم فرصتی را برای ایجاد یک نظام اقتصاد بین المللی آزاد از حمایت های تعرفه ای فراهم کرد . در سال ۱۹۴۵ وزارت خارجه آمریکا تعدادی از دولت ها را برای مذاکره درباره کاهش تعرفه ها دعوت کرد . در سال ۱۹۴۶ کنفرانس تجارت و اشتغال ملل متحد زیر نظر شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد برگزار شد که هدف آن تهیه پیش نویس منشوری برای سازمان تجارت جهانی بود . در همین سال ، ۲۶ کشور مذاکراتی را درباره موافقت نامه ای برای کاهش و ایجاد تعرفه های گمرکی الزام آور انجام دادند . هدف این موافقت نامه سرعت بخشیدن به تجارت آزاد و ارایه راه کارهایی برای جلوگیری از فرار تعهدات تفرقه ای بود . این موافقت نامه همان گات است که در سال ۱۹۴۷ تصویب شد . کاهش تعرفه فقط یک قسمت از منشور سازمان تجارت جهانی بوده و دیگر قسمت های آن شامل اشتغال، قراردادهای کالا، عملیات داد و ستد محدود، سرمایه گذاری بین المللی و خدمات است. در نبود سازمان تجارت جهانی، گات به چارچوبی برای اقتصاد جهانی طی ۴۵ سال بعد تبدیل شد. گات هرگز یک شخصیت حقوقی بین المللی به عنوان یک سازمان نیافت و در سال ۱۹۴۸ طبق شرایط پروتکل اجرای موقت

موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت لازم الاجرا شد .

فهم مقررات اولیه گات مهم است زیرا بسیاری از اصول کلیدی در نظام فعلی از آن ریشه می گیرد . گات سال ۱۹۴۷ یک سند واحد نیست بلکه مجموعه ای از ۲۰۰ سند شامل موافقت نامه ها، پروتکل ها و صورت جلسات است . "مواد عمومی" گات شامل تعهدات سیاست گذاری تجاری دولت های عضو است . شرط محوری آن در ماده ۲ است که از دولت های عضو می خواهد تعرفه های خود را به تعداد مذاکره شده و تعیین شده در جدول محدود کنند. باقی الزامات گات بیش تر برای تقویت این تعهد اصلی طراحی شده است [حبیبی - محمد حسن - ۱۳۸۶].

دو اصل بنیادین گات در ماده اول و سوم منعکس شده است . ماده اول شامل الزام دولت های کامله الوداد (به طور کامل دوست) می شود. دولت های عضو باید برای تمامی دولت های عضوی که محصولات مشابه تولید می کنند امتیاز مساوی بدون در نظر گرفتن شرایط ترجیحی قایل شوند . این بدان معناست که هیچ تبعیضی در رفتار یک عضو گات با دیگر اعضای آن در ارتباط با موضوعات مورد توافق ، وجود ندارد . هر چند این شرط مطلق نبوده و موارد استثنای کلی آن در ماده ۲ پیش بینی شده است . موضوع بنیادین دیگر تعهد "رفتار ملی" است که در بند ۴ ماده ۳ مندرج بوده و مقرر می دارد : " کالاهای تولید شده در قلمرو هریک از کشورهای متعاقد که به قلمرو دیگر کشورهای متعاقد وارد می شود ، از حیث تمامی قوانین ، مقررات و الزام هایی که فروش داخلی، پیشنهاد فروش، خرید، حمل و نقل، توزیع یا استفاده از آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد از همان نحو رفتاری که با کالاهای مشابه داخلی می شود برخوردار خواهد شد."

بند ۱ ماده ۱۱ نیز بر ممنوعیت کلی محدودیت های کمی دلالت داشته و اشعار می دارد به جز عوارض، مالیات یا دیگر منابع، هر گونه ممنوعیت و محدودیتی چه در قالب سهمیه (Quota)، مجوز واردات و صادرات یا دیگر شکل ها، توسط یکی از طرف های متعاقد بر ورود کالاها به قلمرو هر یک از دیگر طرف های متعاهدات مجری یا نافذ نخواهد بود [پارسا- علیرضا-۱۳۷۸].

ماده ۲۰ شامل استثنای کلی است که به دولت های عضو اجازه می دهد تا تدابیر ناسازگار با تعهدات گات اتخاذ کنند به شرط آن که این استثنایها نباید به گونه ای اجرا شود که موجب ایجاد مبنایی سلیقه ای و یا تبعیض غیر قابل توجیه بین کشورها با شرایطی مشابه جهت قبولاندن یا طرح محدودیت های تجاری بین المللی شود ... در میان انواع تدابیری که این استثنایها را شامل می شوند آن هایی که دارای شرایط زیر باشند قابل قبول اند:

ب- برای حفاظت انسان، حیات جانوری یا گیاهی یا بهداشت ... ضروری باشد یا ...

ز- اگر این تدابیر موثر در ارتباط با محدودیت ها روی محصولات داخلی و مقدار مصرف داخلی باشد، باید در راستای حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر صورت گیرد.

در نهایت ماده ۲۵ عدول برخی از کشورها را از تعهدات گات مجاز می شمارد در صورتی که ۲/۳ دولت های عضو با آن موافق باشند.

به موجب موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت "گات" حل و فصل اختلافات مستلزم طرح دعوی توسط یکی از طرف های متعاقد است سپس هیاتی برای رسیدگی به اختلاف تشکیل خواهد شد که تصمیم های آن برای

این که جنبه رسمی پیدا کند باید به تصویب شورای گات برسد. تمامی اختلافاتی که در این هیأت‌ها در خصوص تخلفات زیست محیطی مطرح شده بر مبنای تفسیر ماده ۲۰ گات حل و فصل گشته است.

با بررسی مواردی که هیات حل اختلاف گات به آن‌ها رسیدگی کرده است می‌توان نتیجه گرفت که در وهله نخست برای این که یک تدبیر تجاری زیست محیطی مشمول استثنای بند ب ماده ۲۰ شود باید "ضروری" باشد یعنی برای کشور هیچ راه حل دیگری که با مواد گات منطبق یا حداقل کم‌تر با آن در تضاد باشد وجود نداشته باشد. دوم، برای این که چنین تدبیری مشمول بند ز ماده ۲۰ شود نباید به طور قطع "ضروری" باشد بلکه هدف آن باید به طور عمده حفظ منابع طبیعی مورد نظر باشد تا با قید حفظ منابع طبیعی تجدید ناپذیر تطبیق کند. سوم، از آن‌جا که به موجب بند ز ماده ۲۰ تدبیر تجاری باید "محدودیت‌های تولید یا مصرف داخلی" همراه باشد، بنابراین هدف آن باید به طور عمده تاثیر بخشیدن به محدودیت‌های تولید و مصرف داخلی باشد. گذشته از این یک طرف متعهد نمی‌تواند واردات کالایی خاص را فقط به این دلیل محدود نماید که منشا آن کشوری است که سیاست‌های زیست محیطی آن با سیاست‌های خودش مغایرت دارد و سرانجام تدبیر تجاری زیست محیطی نمی‌تواند ورای صلاحیت ملی اعمال شود چه در استثنای بند ب و چه در استثنای بند ز ماده ۲۰.

الزام‌های گات بر طیف گسترده‌ای از معاهده‌های بین‌المللی و مقررات داخلی مربوط به محیط زیست که در حال حاضر لازم‌الاجرا است تاثیر می‌گذارد [پارسا-علیرضا-۱۳۷۸].

در سال ۱۹۸۶ اجلاس اروگوئه برگزار گردید. این مذاکرات به تنظیم

موافقت نامه ای بر پایه سیستم تجارت جهانی با استحکام بیش تری در حقوق بین المللی و در نتیجه یک سازمان بین المللی عام با شخصیت حقوقی بین المللی منجر شد که به سازمان تجارت جهانی (WTO) معروف است. این سازمان جدید یک نهاد بین المللی دائمی است که هدف آن اجرای موافقت نامه های گات و مصوبات اجلاس اروگوئه است. این مذاکرات سرانجام در دسامبر ۱۹۹۳ تصویب و در سال ۱۹۹۴ امضا شد و در سال ۱۹۹۵ لازم الاجرا گردید. چند توافق نامه دور اروگوئه متضمن مقررات مربوط به محیط زیست می شوند که تعدادی از آن ها به شرح زیر می باشند:

۱- موافقت نامه تاسیس سازمان تجارت جهانی:

این موافقت نامه هدف، وظایف، ساختار و جایگاه حقوقی سازمان تجارت جهانی را مقرر می دارد و دبیرخانه ای را برای آن پیش بینی می کند. دولت ها با پیوستن به سازمان تجارت جهانی موافقت می کنند که تمامی توافق های تجاری چند جانبه مذاکره شده در اروگوئه را می پذیرند. در مقدمه این موافقت نامه دولت ها اعلام کرده اند که استفاده مطلوب از منابع جهانی وقتی مجاز است که طبق اهداف توسعه پایدار در راستای حمایت و با حفاظت محیط زیست باشد و اصلاح ابزارهای اجرای این امور باید با روشی سازگار با نیازهای مربوط و با توجه به سطوح مختلف توسعه اقتصادی ... می باشد.

سازمان تجارت جهانی کمیته های معینی را تاسیس کرده است از قبیل کمیته تجارت و توسعه و کمیته تجارت و محیط زیست که به موجب رای مجمع عمومی ایجاد شده است.

۲- موافقت نامه کشاورزی :

این موافقت نامه در پی ایجاد یک بازار تطبیقی نظام تجارت کشاورزی و تغییر شکل فرایند آن بر حمایت و حفاظت بخش کشاورزی است . موضوع عمده درباره محیط زیست در این موافقت نامه ، یارانه ها و دیگر حمایت های اقتصادی به ویژه در کشورهای توسعه یافته است. هم چنین کشت بی رویه و بیش از توان بالقوه اراضی، روند فرسایش خاک، شیمیایی شدن خاک و از دست رفتن تنوع زیستی و تبدیل اکوسیستم های طبیعی برای مزارع زیر کشت را موجب می شود .

۳- موافقت نامه تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی :

تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی تدابیری هستند که هدفشان حفاظت بشر ، بهداشت یا حیات گیاهی یا حیوانی در مقابل خطرات ناشی از ورود یا انتشار آفات و بیماری ها یا از مواد آلوده کننده در غذاها ، نوشیدنی ها یا مواد غذایی است . از جمله حقوق و تکالیف اساسی اعضا که در ماده ۲ تعیین شده است عبارتند از :

- حق اتخاذ تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی برای حفاظت انسان و حیات و بهداشت گیاه و حیوان.

تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی فقط در حد ضرورت به کار می رود و نباید بدون دلیل علمی کافی استفاده شود(نفی اصل احتیاطی در محیط زیست).

- تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی اجازه اعمال اختیار نمی دهد به گونه ای که شرایط سفارشی غلبه کند و نباید به گونه ای استفاده شود که باعث ایجاد محدودیت در تجارت شود.

- توافق نامه بهداشتی و بهداشت گیاهی از استانداردهای بین المللی حمایت می کند.

۴- موافقت نامه موانع فنی تجارت (موافقت نامه TBT)

این موافقت نامه مقرراتی را برای نصب و اجرای استانداردها پیش بینی کرد تا موجب کاهش مشکلات جهانی شود . اگر استانداردهای بین المللی مربوطه موجود باشد اعضا باید آن ها را به عنوان یک مبنا برای آیین نامه های فنی خود استفاده کنند و گرنه این استانداردها وسیله ای نامناسب یا غیر موثر برای اجرای اهداف قانونی را در پی خواهد داشت . ماده (۲) ۲ این موافقت نامه آشکارا حفاظت بهداشت یا سلامت بشر ، سلامت گیاه و حیوان یا محیط زیست را به عنوان اهداف مشروع شناسایی می کند . از زمان لازم الاجرا شدن این موافقت نامه یعنی ۱۹۹۵ ، بیش از ۲۳۰۰ اطلاعیه از مقررات و استانداردها دریافت شده است که حدود ۱۱ درصد آن ها به محیط زیست مربوط است

۵- توافق نامه در مورد یارانه ها و تدابیر جبرانی :

این توافق نامه در پی ایجاد محدودیت هایی در استفاده از یارانه هاست که به دو دلیل مرتبط با سیاست زیست محیطی است . نخست این که یارانه می تواند ابزاری مهم برای دستیابی به اهداف زیست محیطی باشد دوم این که "یارانه های غیر منطقی" ممکن است برای محیط زیست مضر باشد . از این رو ضوابط تجاری باید برای رفع این ضررها به طور مفید اعمال شوند .

حقوق سرمایه گذاری بین المللی :

حقوق سرمایه گذاری متأثر از تحولات سیاسی و اجتماعی جهان است . روابط حقوق سرمایه گذاری و حقوق محیط زیست یک رابطه تعارض در اهداف اما تلاقی در عمل است . هدف یکی منفعت اقتصادی شخصی و هدف دیگری

منافع بشری جمعی است . سرمایه گذاری خارجی به اندازه ای که برای یک اقتصاد دولتی منفعت دارد برای شهروندان و مردم بومی منفعت ندارد. در حالی که تجارت بین المللی ناظر بر ورود کالاهای خارجی است ، سرمایه گذاری بین المللی ناظر بر حضور فیزیکی سرمایه های خارجی در سرزمین است . شرکت های فراملی به سرمایه گذاری در سرزمین هایی تمایل دارند که مقررات زیست محیطی سهل تری دارند زیرا که قواعد سهل تر کاهش هزینه های اقتصادی را به دنبال دارد. نکته حایز اهمیت آن است که باید دید چه میزان از این سرمایه گذاری به قیمت نابودی محیط زیست حاصل شده است [ضیایی - یاسر - ۱۳۸۹].

در حال حاضر تنها سند بین المللی سرمایه گذاری، موافقت نامه چند جانبه تجاری سرمایه گذاری است که توسط سازمان تجارت جهانی تهیه شده است . مهم ترین منبع حقوق بین الملل سرمایه گذاری در حال حاضر موافقت نامه های دوجانبه سرمایه گذاری (BITs)^۱ و حقوق بین المللی عرفی است . در حالی که حقوق بین المللی محیط زیست از وفاق عمومی نسبی برخوردار است و اسناد مختلفی در این رابطه به تصویب رسیده است . رابطه حقوق بین الملل سرمایه گذاری و حقوق بین الملل محیط زیست را می توان در رفتار و اسنادی از جمله رفتار شرکت های بین المللی، سازمان های بین المللی و برخی دولت ها از طریق التزام به قواعد لازم الاجرائی که به طور داوطلبانه توسط آن ها به اجرا در می آید (اغلب در قالب سیستم های

¹-Bilateral investment treaties

مدیریت استاندارد از جمله سیستم مدیریت استاندارد زیست محیطی ، موافقت نامه های بین المللی سرمایه گذاری ، اقدامات سازمان های بین المللی ، کنوانسیون های بین المللی و رویه های قضایی) مشاهده نمود .

برخی از سازمان های بین المللی نیز گام هایی را در ارتباط با ایجاد تعامل موثر بین حقوق بین الملل سرمایه گذاری و حقوق بین الملل محیط زیست برداشته اند که از آن جمله می توان به سازمان بین المللی کار ، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه سازمان ملل متحد اشاره نمود .

یکی از زیر شاخه های بانک جهانی ، میگا^{۱۷} است . میگا نهادی است که به ارایه بیمه به سرمایه گذاران در برابر ریسک های غیر اقتصادی و کمک های مالی توسعه سرمایه گذاری و نیز میانجی گری در اختلافات می پردازد . میگا برای سرمایه گذاری های تحت حمایت خود شرایطی را تعیین نموده است که ارزیابی زیست محیطی پروژه های سرمایه گذاری یکی از این شرایط می باشد.

شرکت مالی بین المللی IFC از دیگر شاخه های گروه بانک جهانی است که وظیفه حمایت از رشد اقتصادی پایدار در کشورهای در حال توسعه را دارد. این شرکت روش های بازنگری زیست محیطی و اجتماعی را تصویب نموده است. این سازمان برخلاف میگا ، شروط زیست محیطی را مرحله به مرحله به اجرا می گذارد و نه به طور یک جا. این رویه باعث می شود تا سرمایه گذار بتواند خود را با قواعد زیست محیطی همگام کند.

²-MIGA

قانون گذاری فرایندی است که تأثیری انکار ناپذیر در حمایت و حفاظت از محیط زیست و بویژه در تعامل حقوقی محیط زیست با سایر شاخص های حقوقی دارا می باشد .

قانون گذاری برای حمایت از محیط زیست در سرمایه گذاری دارای تئوری مختلفی است که دولت ها بر اساس اصل حاکمیت و با توجه به الزامات بین المللی از جمله مقررات تجارت و سرمایه گذاری برمی گزینند . که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود :

۱ - پناهگاه آلودگی^{۱۸} : در این تئوری سرمایه گذاران به دنبال کشورهایی می گردند که قوانین و شروط سرمایه گذاری در آن ها هزینه کم تری به دنبال داشته و به عبارت دیگر دارای قوانین زیست محیطی سهل تری باشند .

۲ - رقابت برای کاهش^{۱۹} : در این تئوری کشورها به طور فعالانه و برخلاف منافع ملی دست به تصویب قوانینی می زنند که سرمایه گذاران را به سرمایه گذاری در منطقه تشویق کنند. این تئوری بیش تر در مناطق آزاد تجاری و مناطق مخصوص صادرات EPZs=Espacial (processing zone) که در نزدیکی مرزهای یک کشور هستند به کار گرفته می شود.

³ - Pollution haven

¹ - race to the bottom

۳ - رقابت برای افزایش^{۲۰} : طبق این تئوری قواعد زیست محیطی سخت گیرانه موجب تقویت رقابت تجاری و سرمایه گذاری می شود . به علاوه کشورهای در حال توسعه علاقه دارند تا با اتحادیه اروپا و آمریکا موافقت نامه تجارت آزاد امضاء نمایند که لازمه آن تقویت قوانین زیست محیطی است . برخی کشورها نیز با تصویب معاهدات زیست محیطی چند جانبه وارد این تئوری شده اند. این تئوری بیش تر برای شرکت های با حساسیت بالا و حوزه انرژی کاربرد دارد . برخی کشورها به ورود سرمایه گذارانی که کشور مادرشان مقررات سهل تری نسبت به آن ها دارند اجازه ورود نمی دهند که این برخلاف تعهدات ناشی از سازمان تجارت جهانی است . با این حال سرمایه گذاران خصوصی به جای توجه به مکانیسم حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی که زمان بر است ، به تشویق دولت مادر برای تصویب قوانین سخت گیرانه تر می پردازند . ژاپن با پذیرش قوانین ورود ماشین به آمریکا و کره با پذیرش قوانین کاهش آلودگی توسط ماشینی در اتحادیه اروپا به این روش تئوری تن دردادند.

۴ - انجماد قانون گذاری^{۲۱} : در این تئوری قانون گذاران محلی از تصویب قوانین سخت گیرانه برای سرمایه گذاری منع می شوند.

² - race to the top

³ - regulatory chill

این تحقیق بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و از طریق جمع‌آوری و بررسی مستندات الزام‌آور حقوق بین‌الملل محیط زیست انجام گردیده است.

ماده ۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران اشعار دارد: "مقررات و عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است". از این رو هر گونه معاهدات بین‌المللی اعم از زیست محیطی و غیر آن که بر اساس اصول مصرح قانون اساسی تشریفات قانون گذاری را طی نموده باشند (اصول ۵۸، ۷۷ و ... قانون اساسی) به عنوان قانون محسوب شده و بر اساس مفاد ماده ۵ قانون مدنی "کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد".

نظر به این که کنوانسیون‌های زیست محیطی از منابع الزام‌آور محسوب شده و مستند حقوقی و الزام داخلی آن‌ها نیز مبتنی بر مواد ۵ و ۹ قانون مدنی می‌باشد، از این رو عدم رعایت تعهدات آن‌ها مسوولیت بین‌المللی دولت را به دنبال خواهد داشت. اهمیت مفاد این کنوانسیون‌ها در قلمرو حقوق داخلی به ویژه در تعامل با حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی در زمینه موضوع تبعیض و نیز ممانعت دولت‌ها از اجرای قواعد حقوقی سخت‌گیرانه برای شرکت‌های فراملی در مقایسه با شرکت‌های داخلی حائز اهمیت می‌باشد. لذا این مطالعه، کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست محیطی که از سال ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۱ (پایان سال ۱۳۸۹) توسط ایران مورد پذیرش یا الحاق قرار گرفته را از منظر حق بر محیط زیست و حق بر توسعه مورد بررسی قرار می‌دهد.

فهرست کنوانسیون‌های مورد بررسی به شرح زیر می‌باشد:

- کنوانسیون بین المللی مربوط به مداخله در دریاهاى آزاد در صورت بروز ناشى از سوانح آلودگى هاى نفتى (بروكسل ۱۹۶۹).
- کنوانسیون مربوط به تالاب هاى مهم بين المللى به ویژه تالاب هاى زیستگاه پرندگان آبزی (رامسر ۱۹۷۱).
- کنوانسیون حمایت میراث فرهنگى و طبیعى جهان (یونسكو ۱۹۷۲).
- کنوانسیون جلوگیری از آلودگى دریا ناشى از دفع (تخلیه) مواد زائد و دیگر مواد (لندن ۱۹۷۲).
- کنوانسیون تجارت بین المللى گونه هاى جانوران و گیاهان وحشى در معرض خطر انقراض و نابودى (واشنگتن ۱۹۷۳).
- پروتکل مربوط به مداخله در دریاهاى آزاد در صورت بروز آلودگى ناشى از مواد غیر نفتى (لندن ۱۹۷۳).
- پروتکل مربوط به کنوانسیون بین المللى جلوگیری از آلودگى دریا ناشى از کشتى ها (مارپل^{۲۲} ۱۹۷۸).
- کنوانسیون منطقه ای کویت برای همکارى درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحى ساحلى در برابر آلودگى (کویت ۱۹۷۸).
- پروتکل همکارى منطقه ای برای مبارزه با آلودگى ناشى از نفت و سایر مواد مضره در موارد اضطرارى (کویت ۱۹۷۸).
- کنوانسیون حفاظت از گونه هاى مهاجر وحشى (بن^{۲۳} ۱۹۷۹).

¹-MARPOL

²-Bon

- کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آن ها (بازل^{۳۴} ۱۹۸۹).
- کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن (وین^{۳۵} ۱۹۸۷).
- پروتکل مونترال^{۳۶} در مورد مواد کاهنده لایه ازن (مونترال ۱۹۸۷).
- پروتکل راجع به آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره (کویت ۱۹۸۹).
- کنوانسیون بین المللی نجات دریایی (لندن ۱۹۸۹).
- کنوانسیون بین المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی ها (مارپل ۷۸-۱۹۷۳).
- کنوانسیون بین المللی آمادگی و مقابله در همکاری در برابر آلودگی نفتی (لندن ۱۹۹۰).
- پروتکل مراجع به حمایت محیط زیست دریایی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی مواد زاید زیان بخش و دفع آن ها (کویت ۱۹۹۰).
- کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا (تغییرات اقلیمی) (نیویورک ۱۹۹۲).
- کنوانسیون تنوع زیستی (ریودوژانیرو ۱۹۹۲).

³-Bazel

⁴-Viena

⁵-montreal

- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدایی در کشورهای که به طور جدی با خشک سالی و یا بیابان زدایی مواجه می باشند (پاریس ۱۹۹۴).
- پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیم (کیوتو^{۲۷} ۱۹۹۸).
- پروتکل کنترل انتقالات برون مرزی مواد خطرناک و دیگر ضایعات در دریا (تهران ۱۹۹۸).
- پروتکل ایمنی زیستی - کارتاها (نایروبی^{۲۸} ۲۰۰۰).
- کنوانسیون چهار چوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر (تهران ۲۰۰۳).
- کنوانسیون آیین اعلام رضایت قبلی در مورد مواد شیمیایی و آفت کش های خطرناک خاص در تجارت بین المللی (روتردام^{۲۹} ۲۰۰۳).
- کنوانسیون مدیریت زیست محیطی آلاینده های آلی پایدار (استکهلم^{۳۰} ۲۰۰۱).
- کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر (تهران ۲۰۰۳).
- اصلاحیه کنوانسیون بین المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی ها مارپل ۷۳/۷۸ و پروتکل ۱۹۹۷ (۲۰۰۸).

¹-Kyoto

²-Nairobi

³-Rotterdam

⁴-Stockholm

- پروتکل ۱۹۹۷ جهت اصلاح کنوانسیون بین المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی ها ۱۹۷۳.
- کنوانسیون بین المللی حمایت از گونه های مهاجر وحشی ۱۹۷۹ و اصلاحیه های آن تا سال ۲۰۰۵.
- کنوانسیون بین المللی درباره مسوولیت مدنی برای خسارت آلودگی نفتی سوخت کشتی (۲۰۰۱).
- کنوانسیون بین المللی کنترل سامانه های ضدخزه بر روی کشتی ها (۲۰۰۳).
- کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب (پاریس ۲۰۰۱).
- کنوانسیون کنترل و مدیریت آب توازن و رسوبات کشتی ها (۲۰۰۴).
- پروتکل ۱۹۸۸ کنوانسیون بین المللی ایمنی جان اشخاص در دریا ۱۹۷۴.

بحث و نتیجه گیری :

حق بر توسعه و حق بر محیط زیست ، حقوقی هستند که هر دو از اجزا تشکیل دهنده نسل سوم حقوق بشر در قالب حقوق همبستگی می باشند . لذا بدیهی است که هر دو حق لازمه استمرار حیات بشری و بقای نسل بشر هستند . لیکن بنا به ضرورت ها و نیازهای جوامع و متناسب با دانش و شناخت انسان از محیط پیرامون خود در طول تاریخ بشر مورد توجه قرار گرفته اند .

از این رو می توان گفت که التفات به حق بر توسعه در پی رفع نیازهای اولیه بشر و در چهارچوب نیازهای فیزیولوژیک شکل گرفته و توسعه یافته و لذا از قدمت تاریخی بیش تری نسبت به حقوق محیط زیست برخوردار است . هر

چند بشر اولیه برای رفع نیازهای ابتدایی خود نیازمند بهره برداری از محیط پیرامون خود بوده و از سوی دیگر حیات بشر در محیط زیست است که معنا و مفهوم می یابد. لذا ضروری است که به هر دوی این حقوق به عنوان حلقه های زنجیره حیات بشری نگریسته شده و از تعاملات مثبت و مؤثر این دو حوزه در جهت رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت بهره گیری شود.

بررسی انجام شده در خصوص نوع توجه و نگرش جامعه جهانی به حق بر محیط زیست و حق بر توسعه در بخشی از کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی، به عنوان قواعد سخت و الزام آور بین المللی که مورد پذیرش و الحاق جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و در این مطالعه به آن ها پرداخته شده است. به طور کلی موید موضوعاتی به شرح زیر می باشد:

بررسی مفاد کنوانسیون فوق الذکر نشان دهنده آن است که این حق در هیچ یک از کنوانسیون های بین المللی زیست محیطی به عنوان حقی مستقل از حقوق بشر ذکر نشده و به طور غالب در پرتو سایر مصادیق حقوق بشر از جمله حق حیات، حق داشتن محیط زیست سالم، حق به زندگی، حق به سلامتی و ... به آن پرداخته شده است. به عبارت دیگر حق بر محیط زیست به عنوان بخشی از مولفه های حق حیات بوده و خود حقی مستقل محسوب نمی شود. این موضوع در رویه های قضایی بین المللی موجود در حوزه بین الملل نیز مشهود بوده و ملاحظه می شود که دستیابی به اهداف زیست محیطی با استناد به حوزه سلامت و بهداشت انسان تعقیب می شود.

علی رغم پیشرفت فزاینده حقوق محیط زیست در حقوق داخلی کشورها و حقوق بین الملل، هم چنان استنباط بعمل آمده از مفاد اسناد بین المللی زیست محیطی نشان دهنده غلبه نگاه انسان محور در مقوله محیط زیست می

باشد. تأکید بر عبارت " حفظ حقوق نسل های آینده بشری " که عبارتی کلیدی در حوزه حقوق محیط زیست محسوب می گردد خود نشان دهنده توجه به " انسان " است . پر واضح است که این نگاه به طور اعم نگرش و رویکردی منفی تلقی نمی شود. زیرا انسان به عنوان اشرف مخلوقات و تنها موجود زنده ای است که از سطح عالی ادراک برخوردار بوده و دارای قوه تعقل و اندیشه می باشد لذا قداراست تا راجع به محیط پیرامون خود تصمیم گیری و اقدام نماید . لیکن موضوع حایز اهمیت آن است که این تصمیم ها بر پایه نگرش صحیح به محیط پیرامون صورت گرفته و منافع بنیادین فطری و مستمر بشری که حق حیات در رأس آنهاست مورد توجه قرار گیرد . ارزش گذاری اجزای محیط زیست از جمله موضوع هایی است که می تواند نقش تعیین کننده در تصمیم های انسان در زمینه محیط زیست دارا باشد. که خود مستلزم شناخت دقیق و صحیح زیست محیطی است . منصرف از دیدگاه های فوق الذکر و این که حق بر محیط زیست حقی مستقل از حقوق بشری است یا از مولفه های دیگر حقوق بشر محسوب می شود ، بی تردید بهره مندی از محیط سالم ، حقی است مسلم و غیرقابل انکار که فاقد حوزه جغرافیایی می باشد . زیرا محیط زیست به طور اعم فاقد محدودیت و ایستایی بوده و در واقع محیطی پویا است و نیز صرف نظر از تعریف نسل و ...، محیط زیست صرفاً متعلق به نسل های موجود نمی باشد . لذا حفاظت و حمایت از آن با هدف حفظ زنجیره حیات بشری ، موضوعی است که اقدام داخلی دولت ها و اقدام های بین المللی را طلب نموده و جهت استیفای کامل حیات ضروری است .

هر چند رویکرد حقوق بین الملل محیط زیست در حفاظت و حمایت قانونی از محیط زیست بر پایه اصل حاکمیت دولت ها و تقویت حقوق داخلی به

منظور ایجاد الزام های قانونی ملی که در نهایت التزام دولت ها در جامعه بین المللی را به همراه داشته و عرف بین المللی را ایجاد می نماید، خواهند نمود لیکن وضع قوانین بین المللی حائز اهمیت خاصی است. در حوزه حقوق بشر نسل اول و دوم این الزام بر اساس مصوبات سازمان ملل متحد ایجاد شده ، لیکن نسل سوم حقوق بشر یا همان حقوق همبستگی فاقد این الزام بوده و در حد بیانیه باقی مانده است .

از بررسی مفاد کنوانسیون های مورد مطالعه نیز ملاحظه می شود که حق بر محیط زیست و دیگر مصادیق حقوق بشر، در مقدمه کنوانسیون ها تصریح شده است و در مفاد کنوانسیون ها ترتیبات اجرایی و تحقق هدف حمایت و حفاظت از محیط زیست تعقیب گردیده است . با توجه به شروع نهضت محیط زیست از اواخر دهه ۶۰ میلادی ، با بررسی اسناد دهه هفتاد میلادی ملاحظه می شود که این اسناد، دارای دغدغه هایی به طور غالب زیست محیطی بوده و چندان موضوع توسعه را مدنظر قرار نمی دهند . حال آن که هر چه به دهه هشتاد و نود میلادی نزدیک تر می شویم ، دغدغه های توسعه ای در اسناد بین المللی زیست محیطی محسوس بوده و در دهه نود میلادی در قالب توسعه پایدار متجلی می گردد.

حق بر توسعه در پرتو حقوق بین الملل تجارت ، بازرگانی و سرمایه گذاری نسبت به حقوق بین المللی محیط زیست از سابقه تاریخی بیش تری برخوردار است . همان گونه که ذکر گردید در حوزه حقوق محیط زیست ، اسناد بین المللی زیست محیطی تمایل به تحقق اهداف زیست محیطی از طریق وضع قوانین داخلی دارند که به نوعی می توان از آن به ترجیح حقوق داخلی بر حقوق بین الملل محیط زیست یاد کرد . هر چند این موضوع صددرصدی محسوب

نشده و در خصوص ایجاد آلودگی فرامرزی دولت ها در استفاده از منابع یا فعالیت در قلمرو تحت حاکمیت خود ملزم به رعایت آن و اجتناب از ایجاد آلودگی فرامرزی هستند. در حالی که در حوزه توسعه و اقتصاد این ترجیح به سوی ترجیح حقوق بین الملل بر حقوق داخلی سنگینی می نماید. یعنی دولت ها نمی توانند در قلمرو حاکمیتی خود، قوانین ملی وضع نمایند که با قوانین بین المللی در تعارض باشند از آن جمله می توان به "اقدامات تبعیض آمیز" و اصل "عدم تبعیض" اشاره نمود. اصولی که به عنوان اهرم هایی برای کنترل و مدیریت تجارت جهانی در عرصه حقوق داخلی کشورها می باشد.

هر چند هیچ سند الزام آور حقوق بشری، حق بر محیط زیست را به عنوان یک اصل مسلم مورد تأکید قرار نداده، لیکن با تبیین مفهوم توسعه پایدار در بیانیه ریو ۱۹۹۲ و تکرار آن در اسناد زیست محیطی و حتی اقتصادی و تجاری در دو دهه اخیر، غیر قابل قبول تفکیک بودن توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست مورد توجه قرار گرفته و لذا جامعه جهانی مقوله حقوق بشر را بیش تر متضمن جنبه های بین المللی می دانند تا جنبه های ملی.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که حقوق بین الملل محیط زیست مبتنی بر قواعد Erga omnes یا تعهد بین المللی دولت ها در جامعه جهانی بوده، حال آن که حقوق بین الملل عمومی (که توسعه اقتصادی نیز مبتنی بر آن است) بر پایه قواعد Reciprocity و Interpart (رفتار و روابط متقابل) بنا نهاده شده است. از این رو در سلسله مراتب قواعد حقوقی تعهدات بین المللی دولت ها در جامعه جهانی در مرتبه ای بالاتر از قواعد مبتنی بر رفتار و روابط متقابل قرار می گیرد زیرا علاوه بر الزام دولت ها به رعایت این قواعد، التزام آن ها را نیز به همراه دارد. لیکن در عمل ملاحظه می شود که قواعد زیست

محیطی تحت الشعاع منافع ملی دولت‌ها قرار می‌گیرد. زیرا هدف اصلی کشورها از الحاق به کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی حفظ منافع ملی می‌باشد که منافع ملی، به طور غالب در تحقق اهداف کوتاه و میان‌مدت نمود می‌یابد. از این رو اغلب دولت‌ها با توجه به عمر کوتاه خود، تحقق اهداف توسعه‌ای و به ویژه توسعه اقتصادی را سرلوحه اولویت‌ها، استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اقدام خود قرار می‌دهند. لذا به نظر می‌رسد که شاید بتوان با تکیه بر پیوستگی حمایت و حفاظت محیط زیست (حق بر محیط زیست) در مسیر ترجیح حقوق بین‌المللی محیط زیست بر حقوق داخلی کشورها گام برداشت. این مهم قابل حصول نخواهد بود مگر با ایجاد توازن بین اقدامات اقتصادی و توسعه‌ای و اقدامات زیست‌محیطی. زیرا تجارب بین‌المللی حاکی از آن است که موضوع حقوق بشر اغلب دستمایه اقدامات سیاسی قرار گرفته است. اقداماتی که خود دارای خاستگاه‌های اقتصادی و کسب منافع اقتصادی بیش‌تر است.

از سلامت به عنوان حالت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی یاد می‌گردد. این جزء سلامت لازم و ملزوم یکدیگر بوده و تغییر در هر مولفه بر دیگر مولفه‌ها موثر می‌باشد. لذا همان‌گونه که تامین رفاه جسمی می‌تواند ارتقا سلامت را در پی داشته باشد، تامین رفاه روانی و اجتماعی در آن موثر است. باید توجه نمود که تمامی اقدام‌های ملی و بین‌المللی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... بشر زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که زنجیره حیات بشری استمرار داشته باشد و در واقع هر نوع برنامه و اقدامی بدون بقای نسل بشر امری عبث و بیهوده است. سلامت انسان با تعریف بین‌المللی فوق‌تر شاید بتوان اصلی‌ترین مولفه برای حفظ زنجیره حیات

بشر دانست لذا تلاش در جهت تحقق آن محور کلیه فعالیت های بشری می باشد. همان گونه که در فصل پیش نیز به آن اشاره شد، کلیه اسناد بین المللی زیست محیطی حول محور "تامین سلامت انسان و جلوگیری از به مخاطره افتادن جان اشخاص" شکل گرفته اند لذا حفظ حیات انسان تحت هر نام و عنوان و منصرف از قرارگیری در طبقات وسطوح مختلف حقوق بشری، هسته اصلی کلیه فعالیت های بشری می باشد. بدیهی است تامین رفاه اجتماعی نقش حایز اهمیتی در سلامت دارد. از جمله مولفه های موثر بر ایجاد رفاه اجتماعی، مولفه های اقتصادی هستند که خود در پرتو فعالیت های توسعه ای محقق می شوند. لذا موضوع های زیر را می توان به عنوان موضوع های که مورد توافق متخصصان اعم از زیست محیطی و اقتصادی می باشد فرض نمود:

- حفاظت از محیط زیست یکی از مهم ترین عوامل در تامین سلامت و حفظ بقای بشر بوده و حیات بشر بدون حفاظت از محیط زیست امکان پذیر نمی باشد.
- توسعه به ویژه توسعه اقتصادی بر بهبود رفاه اجتماعی و در نتیجه تامین سلامت انسان موثر است.
- توسعه و از آن جمله توسعه اقتصادی بر بهبود کیفیت و سرعت حفاظت از محیط زیست موثر است هر چند توسعه یافتگی به الزام، امر حفاظت از محیط زیست را به همراه ندارد.
- مدیریت یکپارچه حفاظت از محیط زیست و توسعه، ضرورت تحقق هر دو هدف می باشد.

از این رو می توان با تلاش در جهت ایجاد زبان مشترک بین دو حوزه محیط زیست و توسعه در راستای تحقق اهداف و اعتلای هر دو موضوع گام

برداشت . پرهیز از اقدامات مبتنی بر یکسویه نگری و ایجاد تعاملات فی مابین متخصصان و تصمیم سازان این دوحوزه و بهره گیری از قابلیت ها و پتانسیل های غیر دولتی جهت تأثیر بر تصمیم گیران با مدنظر قراردادن پیشنهادهای زیر می تواند مثمر ثمر واقع شود.

پیشنهادهای :

پیشنهادهای مدنظر در دو بخش به شرح زیر طبقه بندی و ارایه می شوند:

۱- وضع قوانین.

۲- اجرای قوانین.

نظر به این که روش مورد نظر کنوانسیون بین المللی زیست محیطی تاکید بر وضع و اجرای مقررات داخلی به منظور حفاظت و حمایت از محیط زیست در ارتباط با احترام به اصل حاکمیت دولت ها می باشد، پیشنهادهای ارایه شده با این رویکرد ارایه گردیده است.

۱- وضع قوانین :

واقعیت آن است که حقوق بین الملل محیط زیست در عرصه نظری دارای غنای لازم می باشد و تمامی موضوع ها و مصادیق زیست محیطی در اسناد بین المللی اعم از غیرالزام آور و الزام آور لحاظ گردیده است. وجود بیش از ۱۰۰۰ معاهده بین المللی زیست محیطی دلیلی بر این مدعاست لیکن سایه ای از احتیاط بر اجرای قواعد زیست محیطی گسترده می باشد که با ذکر عبارات کلی و دارای تفسیر در معاهدات بین المللی زیست محیطی به چشم می آید، لذا پیشنهاد می شود:

۱-۱- مفاد کنوانسیون و معاهدات بین المللی زیست محیطی همانند اغلب

اسناد حقوق بین الملل عمومی از شفافیت و صراحت کافی برخوردار باشد به

نحوی که امکان تفسیر پذیری عبارات به حداقل رسیده و نیز اعتبار حقوقی آن ها در برابر سایر معاهده ها مورد تصریح قرار گیرد.

۱-۲- وضع استانداردها به عنوان مقررات و ضوابط تکمیلی قوانین حایز اهمیت می باشد. از این رو استانداردها مبنای اصلی بیش تر سیاست گذارهای زیست محیطی را تشکیل می دهد که مبتنی بر تحقیقات علمی بوده و علاوه بر وضع ضوابط، حایز جنبه های پیش گیرانه و نظارتی نیز می باشند. لذا با توجه به تاکید حقوق بین الملل محیط زیست و وضع مقررات داخلی زیست محیطی توسط کشورها، پیشنهاد می شود استقرار سیستم های مدیریت استاندارد بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE- MS) و سایر سیستم های مدیریت استاندارد در حقوق داخلی کشورها با وضع قانون و نیز با توجه به شرایط کشورهای مختلف از طریق راه کارهایی از جمله سطح بندی و زمان بندی استقرار آن ها مدنظر قرار گیرد. استانداردهای فنی از دیگر استانداردهای موثر می باشد که در زمینه استانداردهای مبتنی بر عملکرد، بر استانداردهای مبتنی بر فن آوری ارجحیت دارد.

۱-۳- ایجاد نظام حقوقی منطقه ای در خصوص حقوق بشر همانند نظام آمریکایی حقوق بشر، نظام اروپایی حقوق بشر و نظام آفریقایی حقوق در سایر مناطق جهان که می تواند در نهایت تصویب سند حقوقی الزام آور بین المللی نسل سوم حقوق بشر را در پی داشته باشد .

۱-۴- تدوین استراتژی های زیست محیطی در سطح ملی کشورها با رویکرد کنترل - نظارت که نسبت به قوانین از انعطاف بیش تری متناسب با شرایط و اوضاع واحوال کشورها برخوردار است .

۱-۵- افزایش هزینه های بازدارندگی قوانین از طریق :

۱-۵-۱- تشدید مجازات های مدنی و کیفری جرائم زیست محیطی در حقوق داخلی کشورها با تأکید بر مجازات های مدنی .

۱-۵-۲- تعیین جرائم بین المللی زیست محیطی به عنوان جرائم کیفری و جرم کیفری دانستن جرائم زیست محیطی در عرصه حقوق بین الملل به منظور رفع نقیصه فقدان عنصر قانونی جرم زیست محیطی در حقوق بین الملل. به نحوی که جرم زیست محیطی (حداقل در بعد فرامرزی) در کنار جرایم بین المللی به ویژه جرم علیه بشریت پذیرفته شده و مصادیق آن مشخص گردد .

۲- اجرای قوانین :

۲-۱- ایجاد اقتدار زیست محیطی در اجرای قوانین در عرصه بین المللی و به دور از ملاحظه های سیاسی از طریق مدیریت یکپارچه و ایجاد دفتر توسعه پایدار در کشورها و کمیسیون توسعه پایدار در سازمان ملل واتخاذ سیاست های مدون و اعلام آن ها از بالا به پایین. ایجاد این اقتدار در حقوق داخلی کشورها می تواند التزام دولت ها در عرصه بین المللی را به دنبال داشته و به تبع اجرای قوانین را تسهیل نماید. الزام به رعایت مقررات داخلی و بین المللی پیش گیرانه و کنترلی از قبیل ارزیابی اثرات زیست محیطی، طرح های آمایش سرزمین، ساماندهی فعالیت های اقتصادی و تجاری رسمی و ... از این قبیل اقدام ها می باشد .

۲-۲- به کارگیری راه حل ها و ابزارهای اقتصادی با هدف بازگرداندن هزینه های خارجی خسارت زیست محیطی در محاسبه سود و زیان شرکت ها و مصرف کنندگان از جمله جریمه های آلودگی ، یارانه ها (با رویکرد چماق و هویج) شامل یارانه های مربوط به تجهیزات کاهش آلودگی و یارانه های کاهش

آلودگی، سیستم های مجوزهای آلودگی قابل تجارت مبتنی بر سهمیه (Quota)، سیستم های اندازه گیری پویایی و تشویقی برای ایجاد انگیزه در مدیران مسوول شرکت های تجاری و صنعتی کوچک و بزرگ، پرداخت تسهیلات و ...

۲-۳- ارزش گذاری مواهب زیست محیطی. این ارزش گذاری، در کنار افزایش هزینه های دسترسی یا آلودگی و تخریب آن ها می تواند با تحت تاثیر قراردادن سودمندی آلوده کننده ها (اشخاص آلودکننده) بر دستیابی منطقه ای به توسعه (توسعه یافتگی) با مد نظر قرار دادن حفاظت از محیط زیست و یا به طور کلی توسعه پایدار موثر باشد. این ارزش گذاری می بایست بر اساس معیارهای علمی صورت گیرد.

۲-۴- برخورد قضایی متناسب با جرائم زیست محیطی با اشخاص متخلف در سطح ملی و بین المللی. این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا وضع قوانین هر چند در نهایت دقت و ظرافت، اگر از پشتوانه اجرایی مناسب برخوردار نباشد نتیجه مورد نظر را در پی نداشته و به تبع منجر به افزایش نرخ تخلف می گردد.

۲-۵- عملی نمودن تأکید بر همکاری زیست محیطی در عرصه بین المللی و ملی در زمینه های تحقیقاتی و علمی، فن آوری و مالی.

۲-۶- ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از مولفه های ملی و بین المللی برای تعیین توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی. زیرا توسعه اکولوژیک یکی از محورهای سه گانه توسعه محسوب می شود. این موضوع در عرصه داخلی کشورها می بایست در مسیری دنبال شود که به عنوان یک ارزش اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. و به طور نمونه همانند تکیه بر توسعه

اقتصادی و بهبود معشیت و یا توسعه سیاسی که به عنوان محور مانورهای تبلیغاتی در زمینه هایی هم چون انتخابات شوراهای محلی ، انتخابات مجلس و انتخابات ریاست جمهوری کشورها به آن ها اشاره می شود ، حفاظت محیط زیست یک ارزش بشری تلقی شده و مورد تاکید قرار گیرد. ارایه آموزش های زیست محیطی در سطوح مختلف آموزش برای تحقق این هدف ضروری است.

۲-۷- ارایه راه کارهای قانونی برای مشارکت بیش تر سازمان های غیر دولتی و مردم در فرایندهای تصمیم گیری در حوزه محیط زیست و تضمین اجرای این راه کارها توسط دولت ها. در حال حاضر سازمان ها و تشکل های غیر دولتی فقط از طریق تنویر و تهییج افکار عمومی در بخش تصمیم سازی (از نوع غیر مستقیم) دخالت داشته و فاقد نقش اصلی و رسمی در تصمیم سازی (همانند مراجع ملی و بین المللی ذی صلاح) و نیز تصمیم گیری در عرصه ملی و بین المللی هستند .

Archive

فهرست منابع:

- (۱) حبیبی، محمدحسن، ۱۳۸۴، حقوق محیط زیست جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران
- (۲) حبیبی، محمدحسن، ۱۳۸۶، حقوق محیط زیست جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران
- (۳) قاسمی، ناصر، ۱۳۸۴، حقوق کیفری محیط زیست، انتشارات جمال الحق
- (۴) کریم زادگان، حسن، ۱۳۸۲، مبانی اقتصاد محیط زیست، انتشارات نقش مهر
- (۵) پارسا، علیرضا، ۱۳۸۷، حقوق بین الملل محیط زیست و تجارت آزاد تضاد یا تکامل، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰
- (۶) پورهاشمی، سیدعباس، ۱۳۸۹، جزوه درسی حقوق بین الملل محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی
- (۷) جم، فرهاد، ۱۳۸۸، دموکراسی زیست محیطی برای حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل، فصلنامه راهبرد، سال هیجدهم، شماره ۵۰
- (۸) حبیبی، محمدحسن، ۱۳۸۲، حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰
- (۹) سیمبر، رضا، ۱۳۸۵، حقوق بشر در چهارچوب محیط زیست یا حقوق محیط زیست در چهارچوب حقوق بشر، مجله حقوق محیط زیست، بهار ۱۳۸۵، شماره ۱۹
- (۱۰) مولایی، یوسف، ۱۳۸۶، نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴
- لوح فشرده معاهدات بین المللی زیست محیطی، ۱۳۸۳، سازمان حفاظت محیط زیست
- (۱۱) لوح جامع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، معاونت حقوقی ریاست جمهوری (معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات)